



روزنامه سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی ، ورزشی **صبح ایران** صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه:۲۳-۲۳۸۰۲۴-۲۲۰
نمبر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)–نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی‌ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمبر: ۰۴۱۶۵-۶۶۴۰۱۶۵،امور فنی، آتلیه و لیثوگرافی: روزنامه شرق
چاپ:■ ا فست: ۴ کیلومتر
جاده ابدعی، روی‌روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹، تلفن: ۳۳۹۱۲۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۶۶۸۲۲۳۴۷-۷

راهنمای امروز

تلویزیون امروز		
سریال نقش بر آب (تکرار)	یک	۱۵
قصه های جزیره	دو	۱۶
سینما و ماوراء	چهار	۲۰/۳۰
سریال روشنائی شهر	دو	۲۱
سریال ماموران مخفی پلیس	یک	۲۲

سینمای امروز

سوغات فرنگ

شیدا (۷۷۸۱۵۵۷۶)، گلریز ۱ (۸۸۷۱۸۷۱۳) قیام (۸۳۲۱۰۶۶۴)، پایتخت(۸۸۳۱۲۶۳۱)، ماندانا (۷۷۲۱۰۹۸۲)، تهران (۷۷۵۰۴۳۲۹)، جوان (۲۲۲۰۳۰۳۱) شهر قشنگ(۷۷۷۷۰۶۶۴)، بلوار (۸۸۹۶۵۲۹۲)، قدس (۸۸۹۰۴۵۸۵) ایران ۳ (۷۷۵۳۸۷۱۱)، دهکده المپیک (۴۴۷۱۴۰۸۵)، حافظ (۳۳۹۰۱۰۷۲) پیوند(۳۳۷۰۴۰۴۰)، پارس ۲ (۶۶۹۱۶۲۹۵۳) جی ۱ (۶۶۶۳۰۹۴۰۰) میلاد (۳۳۷۹۸۸۷۳)

شفال
 سعدی(۶۶۴۶۸۴۶۱)، اروپا (۳۳۹۱۳۱۷۹) مرکزی ۳ (۶۶۹۲۸۶۹۸)، جی ۲ (۶۶۶۳۰۹۴۰۰) فرخ (۵۵۳۸۵۳۳۵)
انتخاب
آستارا (۳۳۳۴۱۶۶۸)، مرکزی ۱ (۶۶۹۲۸۶۹۸) جمهوری (۶۶۴۶۵۳۰۷)، کارون (۶۶۸۸۵۰۴۷) کانون (۸۸۷۲۸۲۶۶)

ادامه از صفحه اول

کار به جایی کشید که حتی نتون والته مدافع چپ پرتغال نیز برخلاف دقایق قبلی اقدام به تهاجم و حضور در زمین انگلیس و مانور و سانتر توپ‌ها به روی دروازه رقیب می‌کرد و اگر انگلیس در این مقطع در مقابل چشم‌های نگران بکام مصدوم (که بازی را از کنار خط تماشا می‌کرد) گلی را نخورد، به خاطر فداکاری مدافعان انگلیس و کار خوب پل رابینسون بود که برخلاف معمول در دروازه انگلیس خوب کار می‌کرد. تعویض فیگو کاپیتان پرتغال و ورود هلدر پوستیگا به جای وی در دقیقه ۸۵ از آخرین اتفاقات در وقت عادی بازی بود و با این حال بازی در ۹۰ دقیقه صفر- صفر پایان گرفت و کار به وقت اضافی کشیده شد. وقت اضافی اول با سرعت بیشتری همراه بود و با اینکه پرتغال به خاطر داشتن یک بار بیشتر نسبت به حریف باز هم حملات فزون‌تری را به روی دروازه رقیب پیاده می‌کرد، اما انگلیس هم با فرستادن سانترهایی به مقصد کراچ و با امید بستن به حضور و ضربات لمبارد و جرارد در پشت ۱۸ قدم از گلزنی قطع امید نکرده بود و فرصت‌هایی را در مقابل دروازه پرتغال ایجاد می‌کرد و لنون هم حاضر بود تا در این نفوذها مشارکت کند. در وقت اضافی دوم نیز اتفاقاتی مشابه روی داد و حملات پرتغال بیشتر شد و حتی یک بار ضربه سر پوستیگا بر تور دروازه انگلیس بوسه زد که داوود آصفیاد گرفت و آن را مردود دانست. حملات پرتغال به ثمری نرسید و بازی در پایان ۱۲۰ دقیقه هم صفر- صفر شد و کار به ضربات پناثی کشیده شد. در این حد فاضل اریکسون «لئون هافیک» را هم بیرون کشیده و اجیمی کاراگر مدافع» را جانشین وی ساخته بود.

- تعیین سرنوشت**

اما در ضربات پناثلی لِرزش و اشتباهات هر دو تیم و به‌خصوص انگلیسی‌ها سرنوشت را به سود پرتغال تعیین و این تیم را صاحب پیروزی ۳–۱ کرد. سابروسا، پوستیگا و کریستیانو رونالدو ۳ ضربه از ۵ ضربه پرتغال را در دروازه پل رابینسون سنگربان انگلیس نشانددن ولی در تیم انگلیس لمبارد و جرارد که ستاره‌های خط میانی و بهترین‌های این کشور محسوب می‌شوند ضربات خود را بد زدن و ریکاردو در دروازه‌بان پرتغال (که مسیر تمام ضربات انگلیسی‌ها را تشخیص می‌داد و با آنها را مهار و یا همسو با آن حرکت می‌کرد) این ضربات را مهار کرد و جیمی کاراگر نیز همین کار را کرد و فقط پناثلی هارگریوز برای انگلیسی‌ها گل شد که کم مانده بود ریکاردو این یکی را هم بگیرد. در نهایت سرنوشت به ضربه کریستیانو رونالدو وابسته شد و ضربه او در دروازه رابینسون نشست تا بازیکنی سند حذف انگلیسی‌ها را صادر کند که فوتبال باشگاهی‌اش را در انگلیس (منچستر یونایتد) تعقیب می‌کند و این هم از وقایع ناب جام‌های جهانی محسوب می‌شود. در نهایت پرتغال برای اولین بار طی ۴۰ سال اخیر به مرحله نیمه‌نهایی مسابقات جام جهانی رسید و اسکولاری مربی مشهور این تیم با احتساب جام جهانی قبلی دوازدهمین میدان متوالی خود را هم با توفیق و بدون شکست پشت سر نهاد و بیش از پیش اوج گرفت. با احتساب جام جهانی ۲۰۰۲ و یورو ۲۰۰۴ این سومین بار متوالی است که انگلیسی‌ها به او می‌بازند و در سد وی توقف می‌کنند.

روزنامه

سال سوم ■ شماره ۷۹۷ ■ یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۸۵ ■ ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲ جولای ۲۰۰۶

فرهنگی

موفقیت سوپرمن در ماموریت هالیوود

«**بازگشت سوپرمن**» در یک روز ۲۱ میلیون دلار فروخت

جمل رحمتی

حسین یاعجی: هالیوود می‌خواهد هرطور شده به کسادی بازارش خاتمه دهد و برای این کار به اسطوره اصل خودش یعنی سوپرمن پناه برده است. دیروز اعلام شد که فیلم «بازگشت سوپرمن» در نخستین روز اکران خود ۲۱ میلیون دلار فروخته و مقام هشتمین فیلم پرفروش تاریخ سینما در روز اول اکران را به دست آورده است. حالا هالیوودی‌ها باید مطمئن استودیو برادران وارنر باشند که هالیوود به یاد سوپرمن افتاده‌اند و برای بازگشت او ۲۵۰ میلیون دلار خرج کرده‌اند. با این امید که سوپرمن بتواند آمار نژولی تعداد تماشاگران فیلم‌های هالیوودی را صعودی کند. کاهش ۱۰ درصدی تماشاگران اتفاقی است که برای هالیوودی‌ها گران تمام می‌شود و آنها برای جلوگیری از این اتفاق حاضر به انجام هر کاری هستند. گاهی به سراغ داوینچی می‌روند و برای کار او رمز می‌تراشند و گاهی هم اسطوره‌های خود مثل سوپرمن را فرامی‌خوانند و به آنها ماموریت می‌دهند تا گیشه‌ها را تسخیر کنند. «بازگشت سوپرمن» در ۳ هزار و ۹۱۵ سالن سینما به نمایش درآمد و تا روز جمعه تعداد سالن‌هایش به ۴ هزار و ۶۴۰ سالن رسیده و چهارمین اکران گسترده در طول تاریخ سینما لقب گرفته است. همین ثابت می‌کند که سوپرمن در ماموریت جدیدش بسیار موفق بوده است. اما نکته جالب در ساخت «بازگشت سوپرمن» حضور «برایان سینگر» در مقام کارگردان است. کسی که با توجه به فیلم‌هایی که ساخته، بیشتر اسطوره‌شکن به‌نظر می‌آید تا اسطوره‌ساز. «مفلوئین همیشگی» را ببینید تا مدعای ما ثابت شود. با این حال انتخاب «برایان سینگر» برای «بازگشت سوپرمن» در عصری که با همه اسطوره‌ها از هر نوع شوخی می‌شود (نمونه‌اش رمز داوینچی) بیش از آنکه نشانه‌ای از ناشی‌گری باشد، هوشمندی اهالی هالیوود را اثبات می‌کند.

تولدتان مبارک، گرگ‌های بیابان



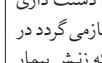
تولد

به قایق‌رانی رسید که مسافران را از این سوی گنگ به آن سوی گنگ می‌رساند. قایق‌ران بی‌آنکه به مصائب سفر دچار آمده باشد، بی‌آنکه گرسنگی مدام کشیده باشد، بی‌آنکه با فقر آمیخته شده باشد به نیروانا رسیده بود و آرامش و رستگاری حیرت انگیزی را می‌شد در چشمانش دید. سیدارتا پرسید: چه کردی که به اینجا رسیدی؟ قایقران گفت: مثل سنگی که در آب رها شود، رها شدم و هیچ تلاش نکردم بلکه جریان آب خود مرا به ژرفای رود برساند. هیچ تلاش نکردم و تنها گوش سپردم به صدای درخت و رود و آفتاب. هیچ تلاش نکردم و فقط و فقط شنیدم و خود را رها کردم تا جریان آب خود مرا به ژرفای آب برساند. تلاش کردم تا هیچ تلاشی نکرده باشم.

شاهزاده سیدارتا برای اینکه به نیروانا برسد راهی سخت و طولانی را پیمود. سختی راه‌های نامهموار را بر خود هموار کرد و ریاضت‌هایی عجیب و طاقت فرسا به روح و جسم خود متحمل شد. عاشق شد، گرسنه شد، ثروت و مکتبی به هم زد، همه را از دست داد، فقیر شد، مسافر شد و سعی کرد که بیاموزد. سال‌های سال گذشت تا سرانجام

مصاحبه‌کننده با یونگ صحبت کرده بود و قرار بود با همه نیز مصاحبه کند. با یونگ دست داد و خداحافظی کرد و وقتی داشت از اتاق بیرون می‌رفت یونگ به مصاحبه‌کننده گفت: سلام مرا به آن گرگ بیابان برسان.

فرصت «به‌آهستگی» را از دست ندهید



دیدنی

است و ناخواسته وارد جریان می‌شود که او را با خود می‌برد. فیلم با این

صحنه آغاز می‌شود که دوربین به مریدی در حال کار نزدیک می‌شود و سر کارگر به مرد می‌گوید تلفن زنده که اگر آب دستت داری زمین بگذار و بیا. مرد به شهر بازمی‌گردد در حالی که در راه فکر می‌کرده که زنش بیمار است اما در بازگشت متوجه می‌شود که همسرش خانه را ترک کرده و رفته است. حرف و حدیث‌ها ذهنیت مرد را تحت فشار

قرار می‌دهند و... بازی زیبا و متفاوت محمدرضا فروتن یکی از نقاط قوت فیلم است. برنامه‌های همه کسانی که به فوتبال علاقه دارند با زمان پخش مسابقات تنظیم می‌شود. این روزها عصر و شب‌ها همه در اشغال پخش زنده است. در این میان فیلم‌هایی که بر پرده سینما در این ایام اکران می‌شوند مهجور می‌مانند. البته معمولاً هم در ایام جام جهانی فیلم‌های مردی پسند اکران می‌شوند تا آنان که هم به فوتبال علاقه دارند و هم سینما را حرفه‌ای دنبال می‌کنند از قافله عقب نمانند. یکی از این فیلم‌هایی که با

کچ سلیبگی زمان اکران‌اش در این ایام انتخاب شد، فیلم

سینمایی «به‌آهستگی» ساخته مازیار میری است.

«به‌آهستگی» داستان مردی است که گرفتار قضاوت‌های

دیگران درباره همسرش می‌شود. او مردی کم سواد و کارگر

روزنامه

آبادان	+۳۱+۴۳	بیرجند	+۲۷+۳۹	سندج	+۲۶+۳۰	همدان	+۱۵+۳۲
اراک	+۱۵+۲۷	تهران	+۲۲+۳۳	شهرکرد	+۱۶+۳۴	یاسج	+۱۷+۳۰
اردبیل	+۱۵+۲۷	تبریز	+۱۴+۲۵	شیراز	+۲۱+۳۷	یزد	+۲۵+۳۹
ارومیه	+۱۶+۳۰	خرم‌آباد	+۱۹+۳۵	قزوین	+۱۵+۲۷	دبی	+۳۰+۴۱
اصفهان	+۱۷+۳۲	رشت	+۲۱+۲۴	کرمان	+۲۰+۳۴	نجف	+۳۲+۴۳
اهواز	+۳۰+۴۵	زاهدان	+۲۵+۳۶	کرمانشاه	+۱۵+۳۳	مکه	+۲۷+۳۸
ایلام	+۲۲+۳۲	زنجان	+۱۱+۲۶	کاشان	+۲۰+۳۴	مدینه	+۲۷+۳۹
بجنورد	+۲۰+۲۹	زابل	+۳۱+۴۲	کیش	+۳۳+۳۸	لندن	+۱۷+۲۵
بندربعاس	+۲۸+۴۳	ساری	+۱۶+۲۸	گرگان	+۲۱+۳۲	پاریس	+۱۸+۲۹
بوشهر	+۳۲+۴۴	سمان	+۲۲+۲۹	مشهد	+۲۱+۲۹	استانبول	+۱۸+۲۸

تهران : آذان ظهر ۱۲:۰۰ آذان مغرب ۱۹:۴۵ آذان صبح فردا ۳:۰۴

آجر و کاج

سیدعلی میرفتاح

سیدعلی میرفتاح

کرگدن نامه

«به کجا چنین شتابان؟» مودی از کپورچالی پرسید. گفت: «کجا دارم بروم؟ گلاب به رویتان می‌روم اتاق فکر.» گفت: «خوشا به سعادت.» بعد یکی این گفت و یکی آن گفت و آن‌قدر گفتند که آقای کپورچالی گفت: «حرف‌یادت نرود، همین جا نگه دار تا من برگردم.» دقایقی بعد برگشت و دیدیم که آقای مودی حرفش یادش رفته بود و همان‌جا منتظر مانده بود تا ریفش خلاص شود و برگردد و بشنود فرمایشات گهربار او را: «در تایلند یک ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید هر روزی که جهاز هاضمه‌ات فعال باشد تو نیز فعال خواهی بود، و اگر نه، تو نیز نه...»

آقای روشن ضمیر: شما تایلندی بلدیدی؟ آقای مودی: نه. نه. تور لیدری داشتیم که ترجمه می‌کرد. آقای روشن ضمیر: شما فکر می‌کنید علت کم‌کاری کارمندان چیست؟

آقای کپورچالی: کم‌کاری که چه عرض کنم. بین سه تا سیزده دقیقه کار می‌کنند و طبق فرمایش تایلندی‌ها، اگر برای این هفت هشت ده دقیقه تناسب ببینیم، می‌بینیم که مزاجشان ایراد دارد، بد هم ایراد دارد.

آقای امیرشاهی: اشتباه از آموزش‌های ما است. برای پرکاری، اغذیه یا میوه‌ها یا دانه‌هایی را تجویز کرده‌اند که اینها شریان حیات را هم می‌بندند چه برسد به فعالیت‌های متابولیسمی. مثلاً همین سندج که در ادبیات ما خیلی اهمیت دارد و مدام توصیه می‌شود، مطابق این فرمایش، آدم را از فعالیت می‌اندازد.

آقای مودی: بحث سندج یک بحث مفهومی و سبیلجی است، وگرنه شما تا حالا کی را دیده‌اید که سندج بخورد.

آقای روشن ضمیر: خوردن؟ نخورده‌ایم، اما مفهوم سبیلیک آن فکر کنم اظهار من الشمس است.

آقای کپورچالی: ولی چرا. من دیده‌ام. در جوانی ما یک نفر بود که از اتفاق خیلی کار می‌کرد و خیلی هم سنجید می‌خورد. عاقبت هم مرید. البته اینکه خدا پیامرز متوجه معنای سبیلیکشد بود، یا نه، بی‌اطلاعم. آقای مودی: علی‌احیال عرض این بود که این بحثی و بی‌حالی و بی‌رقعی، ربط مستقیمی دارد با این مواد و متریالی که سر سفرشان گذاشته شده. مگر با خوردن موسیس و کالیاس و پتیر پیتزا و سس قرمز و سفید و این چیزها متابولیسمی هم برای آدم می‌ماند که بشود متناسب آن فعالیت داشت؟

آقای امیرشاهی: و غافل نشویم از این ساتنرفیو که هاضمه را مضطرب می‌کند و آدم را مات و مبهوت نگه می‌دارد و نمی‌گذارد که آدم به فعالیت‌های روزانه‌اش – ولو همان سه دقیقه – بپردازد.

آقای کپورچالی: انشاءالله که گریه است. همان سوسیس و کالیاس و پیتزا دلایل محکمه‌پسندتری هستند تا ساتنرفیو. الان بگوئید ساتنرفیو می‌گویند کافر همه را به کیش خود بپندارد. بعد باید برویم آمار مصرف را پیدا کنیم که بعد گذشت درمی‌آید. از اینجا گذشته، این‌همه فعالیت، این همه ناوآوری، این‌همه تلاش شبانه‌روزی، این‌همه شمشارش معکوس برای پروژه‌های عمرانی، این‌همه... و واقعاً بیش از این دیگر چه می‌خواهیم. تایلندی‌ها را اگر می‌بینی از صبح تا شب کار می‌کنند، برای این است که از جنس یاجوج و ماجوجند. آنها چه می‌فهمند مخذه، پشتی و نمد و سماور زغالی و یلم دادن و غرق در بحر تفکر یعنی چه.

آقای امیرشاهی: از من بپرسی می‌گویم ما همین ده دوازده دقیقه را هم زیاد داریم کار می‌کنیم. خوب همین می‌کنند آنها که همین دقایق را پشت میز می‌نشینند و از خودشان فعالیت صادر می‌کنند.

آقای مودی: پس صورت مسئله، احتمالاً اشتباه است. گور بیابای مزاج و متابولیسم. بنشینیم و چای بنوشیم و بناله کار خود بگیریم. آقای کپورچالی: بله، هاضمه کار کرد، کرد، نکرد به چشم. از بنده و شما گذشته که فکر فعالیت باشیم. ما می‌نشینیم پای بساط، این میرفتاح برود فعالیت کند. یکی برای همه، همه برای یکی. امورات متابولیسمی با او، امورات کفیوری با ما.

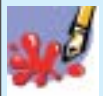
میرفتاح: کجای کارید که من خودم کارم به آجر داغ کردن و کاج دود دادن گذشته.

mirfattah@yahoo.com

خبر

پرتوه‌ای از پیر گرافیک

«زندگانی در تصویر» عنوان مستندی چهل دقیقه‌ای است که به شرح احوال مرتضی می‌طی زندگی پرفراز و نشیبش می‌پردازد. گروه سازنده این فیلم در تایلند تا پرتوه‌ای صحیح و واقع‌نمایانه از پیر گرافیک را رودرروی مخاطبان امروز قرار دهند. مرتضی ممیز پاییز سال ۸۳ در یکی از آخرین مصاحبه‌هایش گفته بود: «یکی از بزرگترین مشکلات ما در زمینه هنر این است که مخاطب پس‌زمینه هنرمند را نمی‌شناسد و معجور می‌شود تا این شناخت را از روی کار او به دست آورد، ما از جهت این‌گونه منابع فقیریم. باید برای باروری نسل آینده و آسان کردن راه آنها کوشید. باید کاری کرد تا بعدی‌ها وقت زیادی را صرف کارهای مقدماتی نکنند تا سریع به وادی تولید هنرمندانه برسند. «این نقطه‌نظر آگاهانه و صداپتبه آسیب‌شناسانه درباره شناخت مفاهخر ملی و فرهنگی موجب شد تا به جای پرداختن به مباحث تخصصی و تکنریک، تمرکز را بر خودی‌ترین رفتار و کردار این هنرمند معطوف‌نماییم تا بیننده از مجموعه این داده‌ها به ابعاد گسترده و ناشناخته‌ای از ممیز پی‌برد. نویسنده و کارگردان: مصطفی زراق کریمی / تحقیق: فرهاد وهرام و شهروز نظری/ دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: پیمان نهان‌دقتی/ *محیرى طرّح* : جواد نوروزیگي/ *تهیه‌کننده*: سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران/ *صايردار*: علیان/ *فیلمبردار*: علی لثمّانی/ تدوین: بهرام دهقانی.



نگاه طراح



چقدر پول؟ واقعاً چقدر؟

می‌رویم پخش سر مجری، تلویزیونی نصب شده که آن هم مدام در حال پخش آگهی است. بعد دوباره آگهی پخش می‌شود و بعد مسابقه‌ای آگهی می‌شود که آن هم حاصل همکاری اسپانسرها است و بعد دو کلمه کارشناس حرف می‌زند و باز هم آگهی. گاهی این آگهی‌های پیش از بازی آن‌قدر به طول می‌انجامد که (مانند بازی آرژانتین و آلمان) چند ثانیه‌ای از شروع بازی گذشته است. این روال تا آخر بازی ادامه دارد و گاهی آن‌قدر توهین‌آمیز می‌شود که گوینده مجبور است حرف کارشناس را ببرد تا چند خوردنی و تلویزیون و فرش تبلیغ شود. و سؤال آخر اینکه چرا صدا و سیما، گویندگانی را که سال‌ها برای اعتبار آنها وقت و هزینه صرف کرده، به همین سادگی مجبور به خواندن آگهی می‌کنند؟ چرا به همین راحتی از آنها می‌خواهند که برای فلان و بهمان وب سایت تبلیغ کنند. به جای همه این بالا و پایین پریدن‌ها برای کسب درآمد، رادیو و تلویزیون دولتی ما می‌توانست اسپانسری برای کل برنامه بگیرد که همه درآمد از آن باشد و آن اسپانسر هم خوشحال باشد که تنها آگهی‌دهنده برنامه‌های جام جهانی در ایران است.

تهران برای مونتسارت تولد گرفت

مرتضیه رسولی: جشن دوست‌و‌پنجاهمین سالگرد تولد مونتسارت به ایران هم رسید. یک هفته اجرای موسیقی، مسابقه، سخنرانی و کارگاه آموزشی هدیه‌ای است به این آهنگساز و دوستدارانش در کشور ما. هدیه‌ای که در حقیقت بهانه‌ای است برای توجه به موسیقی کلاسیک و تحویل گرفتن آن. دانشکده‌های زیبای دانشگاه تهران متولی برگزاری این جشن است و برگزارکنندگان ترجیح داده‌اند که بدون اعلام خبر قبلی و دعوت از نهادهای دیگر برای مشارکت در این جشنواره آن را ترتیب دهند. همین‌طور بدون تبلیغات در سطح وسیع و محدود. آقای مونتسارت آن‌قدر در ایران محبوب است و شناخته شده هست که به بریز و بپاش نیاز ندارد، در حالی که دوستداران این آهنگساز در کشورهای دنیا نمی‌دانند خود را به کدام میهمانی برسانند. برنامه‌های بی‌شماری که در ۲۵۰سالگی مونتسارت تدارک دیده شده به آنها مجال داده که انتخاب‌های بسیاری برای گوش سپردن به آثار مونتسارت داشته باشند. جشنواره دانشگاه تهران که بیشتر به یک جشن خصوصی می‌ماند و انگیزه کوچکی است برای دانشجویان رشته موسیقی تا خودی نشان دهند و توانایی‌های خود را آزمایش کنند از روز شنبه شروع شده است.

گروه موسیقی پردیس با همکاری دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی گراّتس اتریش به تهران می‌آید، حتی اگر این برنامه‌ها ربطی به او و آثار بی‌شمارش نداشته باشد.

باخت پنهان داوودی



فیلمنامه از زمینه‌ای متفاوت برخوردار است و لاک‌پشت‌ها بیشتر از موضوع و فضایی ملی برخوردار است. وی با مقایسه این دو فیلمنامه می‌گوید: فکر می‌کنم لاک‌پشت‌ها پروژه سختی باشد و باخت پنهان تولید ساده‌تری داشته باشد. داوودی همچنان از زمان اکران فیلم قطعی بی‌خبر است.

که از مضمونی اجتماعی برخوردار است و دیگری فیلمنامه‌ای با عنوان لاک‌پشت‌ها است که براساس طرحی از رضا میرکرمی نوشته شده است و او علاقه‌مند بود که من آن را کار کنم. داوودی اشاره می‌کند که این دو

خبرساز